

چند نکته در باب تدریس السنه خارجه در ایران

۱- اگر غالباً از تدریس زبانهای خارجی در مملکت ما نتایج رضایت بخشی گرفته نمی‌شود و محصلین در فرا گرفتن قواعد و طرز تکلم زبانها مهارت منظور را پیدا نمی‌کنند لابد علل و نواقصی در کار هست .

نگارنده در نتیجه مطالعات و تجربیات چندین ساله که در این کار دارد تصور میکند که این وضع از علل ذیل ناشی است :

- ۱- سبک غلط تدریس
- ۲- نواقص کتب
- ۳- فقدان معلم متخصص
- ۴- عدم تناسب ضریب در امتحانات نهائی متوسطه

اول - سبک تدریس صحیح -

منظور محصلین ایرانی از آموختن زبان خارجی سه چیز است :

۱- تکلم باندازه رفع حاجت در اطراف موضوعهائی راجع بزندگانیه عادیه - نوشتن مطالب ساده و انشاء مراسلات آسان مخصوصاً مراسلات تجاریه - اصول بسیار مختصری از دفتر داری .

۲- استفاده از کتب فنی و علمی از تقریرات اسنادان خارجی در دانشکده ها - مهیا شدن برای تحصیل در ممالک خارجه .

۳- اطلاع بر ادبیات خارجی برای توسعه فکر و تربیت قوای روحی بطور کلی از ناطقی که میخواهد کنفرانس بدهد و عالمی که مقاله مینویسد یا نجار بکه میل های جدید میسازد و خیاطی که قصد دارد آخرین مد برش را بداند همه محتاج به تحصیل يك زبان خارجه هستند .

منظور اول

این منظور در دوره اول متوسطه انجام میگیرد -

سبک تدریس در این دوره را روش مستقیم نامند و آن راهی است که طبیعت برای آموختن زبان بخورد سالان پیروی میکنند اولین بار که کودک یکساله فرانسوی لفظ Câteau را میشنود خود شبثی را می بیند بعد ها گوش او بشنیدن عادت کرده درس دو سالگی بزحمت آن کلمه را بزبان می آورد و در نتیجه تکرار بادای آن ماهر می شود و هر وقت لفظ gateau را میگوید یا میشنود شکل نان قندی در نظرش مجسم میشود نه لفظ

دیگری مترادف با آن بهمین ترتیب همه کلمات و جمل را یاد میگیرد و بسن شش سالگی یعنی قبل از مدرسه رفتن تقریباً صحیح حرف میزند .

تعلیم تکلم — در مدرسه اول باید حرف زدن را یاد داد بعد نوشتن را - در روش مستقیم استعمال زبان مادری ممنوع است برای تعلیم اسماء ذات خود آنها یا تصویرشان را نشان میدهند برای آموختن مفهوم افعال معلم آنها را عمل میکند یا شاگرد را وادار بعمل مینماید — صفات ظاهری را (لون — شکل — بعد) بوسیله اجسامی که دارای آن صفات هستند می آموزند — بوسیله کلمات مزبوره جمل متنوع تر و مشکل تری تشکیل داده از قرائن اسماء معنی (شجاعت — غضب) افعال باطنی (رسیدن — دوست داشتن) و غیره را یاد میدهند. در اوایل طفل راجع بآنچه در دسترس اوست صحبت می کند از قبیل لوازم تحصیل و اثاثیه کلاس و اعضاء بدن و حواس خمسه - لباس و غیره بعد از روی تصاویر لغات و جمالی راجع بعمارت مدرسه - خانه - خوراک - (صنایع - تجارت) ده (فلاحت - حیوانات اهلی) و غیره فرا می گیرد

بدین طریق در عرض سه سال کلیه مواد را که پروگرام رسمی برای دوزه اول تعیین کرده خواهد آموخت

قرائت — درس دوهفته اول فقط راجع بتکلم است در ضمن هم الفباء تدریس میشود بعد از دو هفته شاگرد شروع بخواندن و نوشتن جمل و کلماتی میکند که شفاه آموخته است بعد از چند روز درس بچریان طبیعی می افتد : در هر ساعت معلم اول درس را شفاه یاد می دهد و همینکه شاگردان خوب فرا گرفتند طالب را از روی کتاب میخوانند ترجمه جمل کتاب بزبان فارسی اکیداً ممنوع است

انشاء — از همان ماه اول از شاگردان سئوالات کتبی راجع بدروس روزانه نموده جوابها را در کلاس تصحیح جمعی می کنند بدین ترتیب شاگرد میتواند از اواخر سال اول انشاء های بسیار ساده راجع بآنچه که خواننده بنویسد و در سال سوم نوشتن مراسلات سهل و ترتیب صورت حساب مختصر و اذنان مقادیر ممالکت خارجی را می آموزد

املاء — شاگرد باید از همان اول املاء لغاتی را که یاد می گیرد حفظ کند و بعدها عین جمل کتاب را دیکته نماید

از اواسط سال دوم دیکته های خارجی راجع بمطالبی که در کتاب خوانده شده میگویند بشرط اینکه در هر دیکته بیش از چهار تا پنج لغت ناخوانده نباشد

دیکته گفتن منتخبات و بکتور هوکو و شانوریان برای شاگردان ایرانی مضحك است (مخصوصاً در دوره اول)

زیرا اگر کسی برای خرید اشیاء کاغذ بتجارت خانه می نویسد عبارات فصیحه راجع بشب مهتاب را در آن نیماورد .

ترجمه — شاگردی که مطابق روش مستقیم تحصیل کرده هر وقت می خواهد

چیزی بنویسد مطالب را زبان خارجه در نظر می آورد (باصطلاح زبان خارجی فکر میکند بنا براین ترجمه کتبی از فارسی زبان خارجه برای او مضر است

تدریس صرف و نحو — در تمام ملل اول زبان و ادبیات پیدا شده سپس صرف و نحو - یعنی مردم آنچه را مدتها بر سبیل عادت می گفته اند تحت فاعده معینی در آورده اند شاگرد نیز باید اول تقریبا طوطی وار جمله های صحیح را یاد بگیرد بعد متوجه قواعدی بشود که بدون فکر بآنها عمل می نمود.

در دوره اول متوسطه احتیاج بکتاب صرف و نحو جداگانه نیست در کتاب قرائت در ضمن درس تمرینات متعددی راجع بقوانین اصلی که برای جمله بندی صحیح لازم است درج شده و بواسطه عمل نمودن بآنها بعد از سه سال شاگرد تمام قواعد مهمه صرف و نحو را می آموزد

منظور دوم

برای اینکه شاگرد باستعمال کتب علمی آشنا شود لازم است در کلاسهای پنجم و ششم لافل یکی از کتب ریاضیات و یکی از کتب طبیعیات زبان خارجی باشد ولی معلم بفارسی تدریس کند.

منظور سوم

کسی که زبان خارجه را خوب میدانند بادبیات دیگران آشنا شده فکر و روحش پرورش می یابد.

توصیف مناظر زیبای طبیعت و احساسات درونی بشر ذوق و سلیقه خواننده را تربیت نموده عواطف او را بجنبش می آورد — مطالب فلسفی، اقتصادی، اجتماعی برای تقویت فهم استدلال و قضاوت بسیار مفید است — شرح مسافرتها و اکتشافات یا مطالب تاریخی و اخلاقی حس شجاعت، ابتکار - اراده، فداکاری و وطن پرستی و غیره را تقویت می کند.

روش تدریس در دوره دوم متوسطه - نکام - چون در این دوره ادبیات منحصرأ زبان خارجه تدریس می شود بتدریج شاگرد حرف زدن را تکمیل مینماید.

قرائت — شاگرد قطعات متنوع و متعددی از شاهکارهای نویسندگان نزرک می خوانند در انتخاب قطعات باید کیفیت موضوع، تنوع مطالب و درجه اشکال را در نظر گرفت لازم است از انتخاب مطالبی که بیشتر جنبه مجلی دارد اجتناب شود البته بیفایده نیست محصل از تاریخ و جغرافیا یا وضعیت سیاسی و اقتصادی یا عادات و رسوم مملکتی که زبان آنرا می خواند اطلاعات بسیار مختصری داشته باشد ولی خواندن قطعاتی راجع بجزئیات مطالب مزبوره فائده ندارد برعکس آن قسمتهائی که جنبه کلی دارد یا بقلمن عمومی بشر مربوط است یا منظور تربیتی از آن حاصل می شود بدرد محصل می خورد.

مثلا در کتاب قرائت فیلیپون که مخصوص کلاس پنجم و ششم متوسطه می باشد پرگرام رسمی قطعه باسم (بهار دربر تانی) تالیف شاتوبریان انتخاب نموده است که فقط

شامل اسم عدۀ گل و گیاه و خصوصیات جوی یکی از نواحی دوردست فرانسه می باشد و بسیار خسته کننده است. بهترین بود که قطعات دیگری از تالیفات همان نویسنده بزرگ انتخاب شده باشد از قبیل شرح آبشار نیاکارا یا توصیف يك نمب در جنگلها در دنیای جدید برای اینکه قوه تکلم و انشاء شاگردان پیشرفت کند از بین قطعات ادبی و تربیتی که منظور ما را نامین مینماید آنهایی را مقدم میداریم که راحم بمواد مندرجه دربرگرام دوره اول متوسطه باشد تا لغات و اصطلاحاتی که سابقا خوانده شده بتفصیل مراجعه گردد.

خیلی بجاست که از تصنیفات نویسندگان بزرگ مانند Loti و Cochinou که راجع بایران و ممالک مجاور آن چیز نوشته اند - قطعاتی انتخاب گردد تنوع موضوع نیز بسیار اهمیت دارد مثلا بعد از يك قطعه ادبی يك قسمت اخلاقی و دنیالی آن شرح مسافرت اکتشافی قابل توجهی را درس می دهند که رفم خستگی محصل شود و تربیت جمیع قوای فکری و روحی او نمو نماید

طبقه بندی مواد بر حسب فصول خیلی خوبست حتی الامکان باید در زمستان قطعاتی راجع ببرف و سرما، در بهار توصیف بعضی مناظر و در تابستان موضوعاتی راجع بکارهای روستائی و زندگی بیابان تدریس شود

باید همیشه میزان اشکال منتخبات را در نظر داشت قوه شاگردان کلاس ۶ متوسطه از حیث زبان خارجی کمتر از محصلین سال ششم ابتدائی فرانسه میباشد زیرا آنها در موقع ورود بمدرسه حرف زدن را می دانند و در مدت شش سال تمام مواد را بزبان فرانسه می خوانند بعقیده بنده خوب نیست کتاب قرائت کلاس چهارم متوسطه مشکل تر از سال چهارم ابتدائی و کتاب سال پنجم و ششم دشوارتر از سال پنجم ابتدائی مدارس فرانسه باشد.

با قدری کوشش در بین آنان نویسندگان بزرگ فرانسه میتوان صد و بیست الی صد و پنجاه قطعه پیدا کرد که از حیث اشکال منظور ما را تامین کند و مطالب آن نیز متناسب با فکر و فهم شاگردان دوره دوم متوسطه یعنی جوانان ۱۶ تا ۲۱ ساله باشد تدریس قطعات اولی بسبب Expliquée صورت می گیرد معلم معنی لغات و اصطلاحات را بزبان خارجی بیان و تفسیر می کند البته وقت در جزئیات صرف و نحوی و نازک کارهای ادبی برای شاگرد خارجی لازم نیست ولی ضرر ندارد محسنات اساسی موضوع را برای او شرح دهیم در موقع پس دادن درس شاگرد مطالبی را که خوانده بزبان خارجی خلاصه می کند

طرز تعلیم قرائت توضیحی و پس گرفتن درس در کتب مخصوص معلمین نوشته شده است.

انشاء - سبک آموختن انشاء در دوره دوم متوسطه احتیاج بمقالات مبسوط دارد که بنده حتی الامکان خلاصه میکنم
موضوع انشاء باید بیشتر توصیف اشیاء باشد Description و گاهی نیز حکایات

تفسیر ضرب المثل های اخلاقی آسان ولی انشاء مطالب فلسفی با اجتماعی Dissertation philosophique برای شاگردان ایرانی مشکل است معلم اول طرح موضوع plan را دیکته میکند تا شاگرد بداند چه مطالبی را و بچه ترتیب بنویسد بعد چند نفر از محصلین قوی را طلبیده سئوالاتی راجع بموضوع می کنند که جواب آن را دیگران در ذهن نگاه داشته در انشاء خود نقل مینمایند.

معلم انشاء را در منزل تصحیح می کند غلط های لغوی و نحو را در ضمن جمل تصحیح مینماید کلیه اغلاط فکری و نواقص مطالب را در آخر تکلیف یادداشت می کند هر دفعه برای تشویق شاگردان بهترین تکلیف را در کلاس می خواند و نیز یکی از بدترین انشاء هارا در حضور همه تصحیح میکند و غلط های آنرا روی تخته توضیح مینماید.

املاء — متن املاء را از قطعات ادبا انتخاب می کند بشرط اینکه راجع به مطالب زندگانی عادی باشد که در دوره اول دیده اند و لغات مجهول در هر دیکته نباید زیاده تر از پنج تا شش باشد تا محصل بطور کلی معنی متن را بفهمد گاهی اوقات قبل از دیکته کردن و اغاب بعد از آن معلم متن را توضیح میدهد ریشه لغات و اشکالات املائی را با قواعد صرف و نحوی که آنجا اعمال شده بیان می نماید.

صرف و نحو — از کلاس چهارم مانعی ندارد کتاب صرف و نحوی بدست محصلین داده شود بشرط اینکه مخصوص آنها تالیف گشته متناسب با قوه ایشان و شامل حداقل مطالبی باشد که دانستن آن برای محصل خارجی لازم است بقیه بنده کتابی که از حیث اشکال در حدود کلاس چهارم ابتدائی فرانسه نوشته شود Cours élémentaire برای سال چهارم و پنجم کافیت با فید اینکه کایه استثنائات و متفرعات از آن حذف شود در کلاس ششم همین کتاب را دوره میکنند و بعضی از تمرینات مشکل آنرا که برای کلاسهای قبل زیاد بوده انجام می دهند.

هر گاه قائل شدیم که مقصود از آموختن گرامر درست حرف زدن و درست نوشتن است باید تصدیق کرد خواندن کتاب هائیکه از قوه کلاس زیاد تر است و هر سال مثلا تا آخر صفت تدریس می شود و سال بعد مجدداً همان مطالب در کتاب فصل تری تکرار میگردد بجز تضییع وقت فایده ندارد.

طلاب قدیم نیز که مرتبا صفحات اول آموزش صمدیه سیوطی و مغنی را میخواندند و بعد از چندین سال تحصیل نه صحیح حرف میزدند و نه می نوشتند همین خط را مرتکب می شدند.

تجزیه و ترکیب Analyse که در سال سوم شروع شده است در چهارم ادامه یافته در پنجم و ششم تکمیل میشود. تجزیه و تفکیک جمل ناقص و مکمل برای صحیح نوشتن خیلی مفید است.

حفظی — اشعاریکه بنا است حفظ شود باید قبلا توضیح و تفسیر کامل کرد تا شاگردان معنی آنرا خوب فهمیده بتوانند موقع تقریر آهنگ صدارا با مفهوم جمل وفق دهند.

عادت تناسب ضریب

ضریب برتری بعضی از مواد پروگرام را نسبت به بعضی دیگر می‌رساند: مثلاً وقتی می‌گوئیم ضریب ریاضیات در امتحان متوسطه ۷، ضریب طبیعیات ۸ و ضریب زبان خارجه ۲ است می‌خواهیم بفهمانیم که برای یک نفر دیپلمه متوسطه ریاضیات سه برابر و نیم و طبیعیات چهار برابر زبان خارجه فائده دارد.

آیا این نسبت صحیح است؟

دبیرستان دوماظور دارد: یکی تعلیم دیگری تربیت

اولاً تعلیم — یعنی آموختن مطالبی که برای شاگرد تهیه شغل نماید و در عین حال سبب ازدیاد اطلاعات و توسعه فکر او شود

فرض کنیم یک نفر دیپلمه علمی متوسطه در زبان خارجه قوی ولی در ریاضیات و طبیعیات ضعیف است هر گاه در قسمت طب یا دوا سازی بلکه تاریخ و جغرافیا و حقوق وارد شود بهسولت پیشرفت نموده در آن خود متبحر خواهد گشت.

اگر با اروپا برود بهسولت از دروس فاکولته‌ها استفاده خواهد نمود.

هر گاه بشبه ریاضیات و طبیعیات داخل شود کتب علمی را ولو بصعوبت هم باشد مطالعه نمود، از درس استادان اروپائی تا حدی استفاده مینماید و با جدیت زیاد بالاخره باخذ دیپلم عالی موفق خواهد گشت منتهای جزء فارغ التحصیل‌های میرز محسوب نیست.

ممکن است جوان مذکور باخذ دیپلم متوسطه اکتفا کند در این صورت باشد عملی پیش گرفته بواسطه مراجعه بکتاب علمی و فنی خارجی نواقص خود را تا اندازه رفع نموده از عهدت وظیفه مرجوعه برخوردار آمد — یا اینکه نزد اشخاص ذمه‌و‌ساست و تجارتخانه های خارجی بسمت مترجم منشی و محاسب استخدام می‌گردد.

اگر ملاک است مشغول زراعت شده بوسیله رجوع بکتاب ساده فلاحی اصلاحات لازمه زادرا ملاک خود مینماید اگر در دوائر دولتی شغلی پیدا کرد می‌تواند در صورت لزوم از گنجینه نفیس و بی‌پایان کتب خارجی استفاده نموده اطلاعات خود را در قسمت های لازمه تکمیل کرده به مقامات عالیه نائل گردد.

حال رفیق دیگر او را در نظر می‌آوریم که در ریاضیات و طبیعیات قوی و در زبان خارجه ضعیف است:

این شخص از دانشکده ادبیات و طب چندان فائده نخواهد برد در شعب ریاضیات یا طبیعیات هم از کتب کلاسی و درس استادان خارجی کاملاً بهره ور نخواهد شد البته دیپلم لیسانس می‌گیرد ولی چنین کسی هیچوقت بکنفر عالم بزرگ یا بک مهندس عالی نخواهد گشت. اگر در اروپا هم برود لااقل یکسال وقت برای آموختن زبان تلف می‌گردد. بسا می‌شود این جوان تحفیلات خود را بدوره متوسطه محدود می‌سازد البته می‌تواند معلم ریاضیات یا طبیعیات شود ولی اگر غیر از معلمی شغل دیگری اختیار نماید

بزودی آنچه را که آموخته فراغش خواهد کرد یعنی در زندگانی از معاومات خود نتیجه نخواهد گرفت.

بدون تردید تمام محصلین ما که در ایران یا در اروپا تحصیلات خوب کرده اند و بجائی رسیده اند آنهایی هستند که هم در زبان خارجه قوی بوده اند هم در طبیعیات و ریاضیات.

ثانیاً تربیت — شکی نیست تربیت از تعلیم بهتر است: تربیت قوا را تکمیل می‌کند تعلیم دانستنی هارا زیاد می‌نماید

تربیت روح را بزرگ می‌کند — تعلیم فکر را قوی می‌سازد.

تربیت انسان درست می‌کند — تعلیم عالم تهیه می‌کند.

خلاصه کلام تربیت غایت مطلوب مدرسه و تعلیم وسیله نیل بدان مقصود است

بینیم از حیث تربیت ادبیات مفیدتر است یا علم:-

تربیت عبارتست از پرورش قوای روحی که در اصطلاح عام النفس وجدانیات میگویند علوم طبیعی چون برای کشف مجهولات مشاهده و تجربه را بکار میبرد احساس ادراک متخیله و دقت را تربیت می‌نماید

روش استقرائی *Méthode inductive* که وسیله یافتن قوانین طبیعت است در نمو قوه استدلال دخالت تام دارد.

ریاضیات شاگرد را بتعمق و تفکر وادار می‌نماید

روش قیاسی *Méthode de luctive* که برای یافتن قوانین و اثبات قضایای ریاضی استعمال می‌شود بهترین طریق استدلال را بمحصل می‌آموزد.

ریاضی دانها بنظم و تربیت و متابعت روش درست عادت کرده‌اند و قبل از اقدام بهر کار دقیقی ترین وسائل و صحیح ترین راهها را جستجو می‌نمایند اثر علوم طبیعی و ریاضی در تربیت جوانان از این حد تجاوز نمی‌کند (یعنی فقط قوای عاقله پرورش می‌یابد) ولی آیا فقط فهم و عقل برای سعادت بشر کافیست.

اگر از مناظر زیبای طبیعت یا صنایع ظریفه یا احساسات لطیفه محظوظ نشویم از زندگانی بهره می‌بریم

آیا فیزیک و شیمی یا ریاضی می‌تواند حس زیبایی — عشق و حس دیانت را تحریک نماید؟ حسن تملك استقلال طلبی حسب ذات جستجوی حقیقت خیر خواهی شفقت را تقویت کند آیا ریاضیات و طبیعیات در تربیت اراده فعالیت شجاعت و شخصیت دخالت کامل دارد؟

— اکنون برگردیم بادبیات: بدیهی است قرائت قطعات فلسفی عیاشی اجتماعی و اقتصادی در توسعه فکر و تربیت فهم و دقت و استقلال دخیل بوده متخیله را پرورش

داده تا اندازه‌ی جای ریاضیات را می‌گیرد — خواندن قطعات ادبی اخلاقی تاریخی و غیره یا شرح مسافرتها و اکتشافات جغرافیائی مهمه آتقسمت از قوای روحی را که بواسطه علوم ریاضی و طبیعی تربیت نمی‌شد تقویت می‌کند البته از قرائت تالیفات نویسندگان بزرگ خودمان نیز تا حدی بمقصود سابق — الذکر ناائل می‌گردیم لیکن تصنیفات محدود آنها احتیاجات دنیای امروز را کفایت نمی‌کند نتیجه — از حیث تعلیم و تربیت برای مدارس متوسطه ایران امروز اهمیت زبان خارجه کمتر از ریاضیات و طبیعیات نیست .

کتابخانه های عمومی در ترکیه

وزارت معارف دولت ترکیه اخیراً ضمن تشکیل کمیسیون مخصوصی در آنقره اقدامات مؤثری برای منظم ساختن کتابخانه های عمومی کشور بعمل آورده است . کمیسیون مذکور برای حفظ کتب و انتظام و مرمت کتابخانه ها راپرت جامعی تنظیم و در نتیجه دولت ترکیه مبلغی کافی برای تعمیر و ساختمان کتابخانه ها تخصیص داده و آنرا در بودجه ۱۹۳۶ منظور نموده است . برطبق احصائیه رسمی که درجرائد کشور نیز انتشار یافته است تعداد کتابخانه های عمومی به ۸۵ بالغ گردیده است .

رقم فوق شامل عده ای از کتابخانه های کوچک نمی شود .

کتابخانه های بایزید و سلیمانیه در اسلامبول بزرگترین کتابخانه های کشور ترکیه محسوب میشود که اولی دارای ۳۶۷۶۷ و دیگری شامل ۳۴۷۶۷ جلد کتاب است . عده کثیری از کتابهای مذکور بالسنه فارسی - عربی - انگلیسی - فرانسه - آلمانی - ایتالیائی و یونانی میباشد .

در سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳ مبلغ ۹۸ ۹۸ لیره ترك جهت کتابخانه ها بمصرف رسیده است .

مدارس عالی ترکیه نیز کتابخانه های مهمی دارند که از آن جمله کتابخانه بزرگ دانشگاه اسلامبول است . این کتابخانه دارای ۱۳۰۰۰ جلد کتاب و غالب آنها از کتب ادبی ، علمی ، حقوقی و اقتصادی و سیاسی تشکیل گردیده و بالسنه مختلف تدوین یافته است . بودجه سالیانه کتابخانه مذکور ۱۱۰۲۵ لیره ترك است و در سال ۱۹۳۴ ۱۹۳۵ مبلغ ۸۳۰۰۰ لیره جهت خرید کتابخانه های جدید بمصرف رسیده است .